



آیت الله حسین نوری



# اقتصاد اسلامی

## مفاسد سیستم سرمایه داری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

می گسترانند و هر یک ابعاد تازه ای پیدا می کنند و ریشه همه مفاسد سرمایه داری امپریالیستی همان "سودجویی" و افزون طلبی "محض" است.

### ظلم نظام سرمایه داری

یک سرمایه دار امپریالیست برای نیل به اهداف خود طبعاً باید عده هرچه بیشتری را به کار و زحمت وادارد و حاصل تلاش آنها را با پرداختن مزد هرچه کمتری متصرف شود تا سود هرچه افزونتری کسب کند. این همان استثمار نوم سرمایه داری است و از همین جا پایه یک ظلم گسترده در جامعه

فلسفه پیدایش اقتصاد سرمایه داری بر اساس "سودجویی بی حد و حصر" بنیان گذاری شده است و این فلسفه گمنام فطرت انسانی متناسب است و نه با هدف ادیان الهی تطبیق می کند باعث بسیاری از مفاسد و تبعات شوم و آثار دردناکیز می گردد. در مقاله قبیل، به شرح یکی از آنها که "پیدایش اختلاف طبقاتی است پرداختیم. اکنون به توضیح یکی دیگر از این مفاسد که رواج ظلم است مبادرت میورزیم: باز هم تاکید می کنم که این مفاسد باهم ارتباط دارند و از یک ریشه، شاخه

بی ریزی میشود. در این رابطه هرچه ثروت سرمایه دار بیشتر و قدرت و نفوذ او افزون تر شود زیاده طلبی اش نیز دامنه بیشتری می گیرد و آنگاه در پی سود بیشتر، به اعمال ظلم گسترده تری دست میزند. این اعمال ظلم جنبه ها و جلوه های گوناگون دارد. سرمایه دار می کوشد تا کارگران محروم و زحمتکش را هرچه بیشتر استثمار کند و در حالی که هر روز ساعات کار او را بالا میبرد و وادارش میسازد تا تولید افزونتری از زحمت خود بدست بدهد مزد کمتری نیز به او میپردازد. کارگر در چنین سیستمی فقط آنقدر عائدی و درآمد دارد که با آن بتواند



حداقل معیشت خود و خانواده‌اش را در حد بسیار پائین و جلوگیری از مرگ ناشی از گرسنگی، تأمین کند. وی نه تنها از هیچ گونه وسائل و لوازم رفاهی برخوردار نیست بلکه برای فردای زندگی خود نیز هیچگونه تأمین و تضمینی ندارد، زیرا محض اینکه پیر و فرسوده و از کار افتاده شد سرمایه‌دار و صاحب کارخانه او را کنار می‌گذارد و نیروی تازه نفس و جوانی را جانشین وی می‌سازد. درست است که در بسیاری از جوامع، با فشار و رنجهای بسیار زیادی، قوانین استفاده از بازنشستگی و از کار افتادگی برای کارگران و محرومان تدوین شده ولی اغلب، چنان ناقص و نارسا و ظالمانه است که گاهی حتی کمتر از نصف همان دست‌مزد بخور و نمیر هنگام اشتغال و فعالیت کارگر نیز بدست او نمیرسد.

همچنین در اینگونه نظامها کارگر - و اصولاً تمام طبقات محروم اجتماع - از بهداشت و درمان و بزرگ و خدمات بیمارستانی و درمانی کامل نیز بی‌بهره‌اند. با تمام این مظالم، هرگاه کارگران برای دستیابی به اندکی رفاه و تأمین زندگی بهتر، اقدام به کوچکترین اعتراض بکنند با اعمال زور و فشار، شدت سرکوب می‌شوند و در این موارد، سرمایه‌دار حتی قادر است که از نیروهای نظامی نیز کمک بگیرد و بانفک و مسلسل به مقابله با گروهی کارگر و محروم و بی‌دفاع و غیر مسلح برود که تنها جرم آنان تقاضای دستمزد بیشتر و برخورداری از زندگی بهتر است.

علت اصلی این قبیل جریانها در اینگونه سیستم‌ها این است که دولت و سرمایه‌داران با یکدیگر وابستگی و پیوند نزدیکی دارند، زیرا ارکان دولت، با جماعت مالی

سرمایه‌داران، بر سر کار می‌آیند و مصادر مقامات میشوند. لذا خود را نسبت به سرمایه‌دار مدیون میدانند و برای حفظ منافع او احساس مسئولیت می‌کنند و نیز چنین دولتی برای بقای خود و حفظ قدرت غیرقانونی و غاصبانه‌اش چون میدانند که در میان توده مردم هیچگونه پایگاهی ندارد و نمیتواند به طبقه محروم و مستضعف متکی باشد ناچار به پول و عنوان و شهرت سرمایه‌داران اتکا می‌کند.

این است که سرمایه‌داران و دولت‌های سرمایه‌داری همواره به حمایت و دفاع از یکدیگر می‌پردازند و می‌کوشند تا با قدرت و پول و قوه قهریه‌ای که در اختیار دارند دوام و بقای یکدیگر را تضمین کنند!

یکی از نمونه‌های آشکار این موارد، در ایران پیش از انقلاب اسلامی - که میتوان گفت یکی از بی‌شرمانه‌ترین نمونه‌های آن بود - جریان بود که در مورد کارگران "کارخانه" جیت سازی رخ داد. در آن هنگام، کارگران کارخانه جیت‌سازی به‌عنوان اعتراض به کمبود و حشمتاک دستمزدها - که بطور مسلم زندگی بخور و نمیر را نیز برای آنها و خانواده‌شان تأمین نمیکرد - دست به اعتصاب زدند، آنها برای احقاق حق خود اقدام به یک راه پیمائی آرام کردند تا توجه مسئولان امور را نسبت به وضع خود و خانواده‌شان - که در بدترین شکل فقر و فاقه بسر می‌بردند - جلب کنند اما مسئولان امور نه تنها به وضع و درد آنها توجه نکردند، بلکه با تمام نیرو کوشیدند تا اعتصاب و تظاهرات آنها را درهم بشکنند و بجای توجه بوضع آنها، منافع صاحب کارخانه، جیت‌سازی را تأمین کنند، آنها در این رابطه، قوه قهریه و نیروی زاندارم‌ری را وارد میدان عمل کردند و همان نیروی انتظامی - که در ظاهر مسئول و مأمور حفظ جان و مال و زندگی مردم کشور است، در مقابل گروهی از محروم‌ترین طبقات مردم کشور، دست به اسلحه برد و صفوف آرام کارگران زن و فرزند و خانواده‌های آنان را - که

همراه شوهران و پدران خود در تظاهرات شرکت کرده بودند - به خون و آتش کشید. در آن مقابله خونین که در جاده شهر ری، مقابل کاروانسراسکی رخ داد، ده‌ها زن و مرد و پسر و کودک در خون خود غلتیدند و جراحت‌های سخت برداشتند و ۱۸ تن از آنان نیز کشته شدند!

این نمونه شرم‌آور - که موارد مشابه آن فراوان رخ داده و طبقه محروم و مستضعف ایران هرگز آنها را فراموش نخواهد کرد تنها نشاندهنده یکی از ظلمهای فراوانی است که در سیستم‌های سرمایه‌داری نسبت به محرومان اعمال میشود و نشان میدهد که سرمایه‌داران و دولت‌های سرمایه‌داری چگونه برای حفظ منافع یکدیگر حاضرند با هم همکاری کنند و دست به کار حیسی جنایت و خونریزی بزنند.

البته اقتصاد اسلامی که بر اساس عدل و قسط خداوندی بی‌ریزی شده است از چنین جریانهای ظالمانه‌ای منزّه و میزنا است. اسلام حقوق کارگر را - چنانکه خواهیم گفت - بسیار مهم و محترم شمرده و برای کارگران احترام و تکریم فوق العاده‌ای قائل گردیده است و علاوه بر اینکه اینگونه جریانها را هرگز اجازه نداده است، آنرا سخت محکوم و تنبیح نیز نموده است.

نمونه دیگر از ظلم و اجحاف دنیای سرمایه‌داری این است که آنها در زمینه گسترش ظلم‌ها برای اینکه کار بیشتر تولید افزون‌تر را در برابر مزد هر چه کمتری خریداری کنند دست به استخدام "زنها" و کودکان خردسال" می‌زنند، زیرا زنی که برای رفع احتیاجات خانواده‌اش مجبور به کار کردن است و کودک خردسالی که از فرط استیصال بجای رفتن به مدرسه، عمر خود را در کارگاههای تاریک و مرطوب می‌گذراند طبعاً ناچارند به تمام شرایط و تحمیلاتی که از طرف سرمایه‌داران بوجود می‌آید گردن بیاورند و در برابر مقدار دستمزدی که برای آنها در نظر گرفته شود تسلیم گردند. از این رو استخدام زن و کودک، به نفع



سرمایه‌داری است که از به کار گرفتن محرومان هدفی جز تحصیل سود ندارد.

روشن است که اینگونه کارگران بیش از دیگران مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرند. در رژیم گذشته بسیار دیده میشد که کودک کارگر به شرکت در کلاسهای شبانه و انجام تحصیلات، علاقه وافر می‌داشت و نسبت به آن ابراز تمایل می‌کرد ولی صاحب کارخانه در مقابل آن که عصرها یک ساعت زودتر از دیگران او را مرخص می‌کرد در عوض، با در دستمزد او کاهش بسیاری پدید می‌آورد و با وادارش می‌کرد که صبحها ۲ الی ۳ ساعت زودتر از دیگران سر کار خود حاضر شود و با مجبور شدن میکرد که تمام جمعها و تعطیلات رسمی و کارگری را بدون دستمزد در کارخانه مشغول کار باشد.

در مورد کارگران زن نیز ظلمهای فراوان - و گاه توأم با فساد و فحشاء - اعمال میشد. دین اسلام در قوانین مخصوصی به کودکان که در رابطه با اقتصاد تنظیم می‌کند باین نکته مهم تأکید مینماید که لازم است توجه به مسأله تربیت و تعلم کودکان - که دارای استعدادهای سرشار و نایبگی - های فراوان میباشد - در درجه اول اهمیت قرار بگیرد تا از این استعدادها و صلاحیتها در راه ساختن انسانهای مفید و مثبت و صالح بهره برداری بعمل نیاید. برنامه کار کردن آنها باید طوری باشد که باین هدف مهم لطمهای وارد نکند.

در رابطه با بانوان نیز اسلام، وظایف حساس تربیت فرزندان شایسته که یکی از وظایف مهم مادران است و همچنین فرا گرفتن علم و دانش و مسائل اقتصادی و اخلاقی را در صدر برنامه زندگی آنها قرار میدهد و با کار کردن آنها هر چند ذاتا مخالف نیست ولی از نظر اسلام هرگز نباید این موضوع آنها را از مسائل مهمتر زندگی انسانی بازدارد و به حیثیت انسانی و اسلامی آنان کوچکترین لطمهای وارد سازد

## ظلم قارون

ما در ابتدای بحث مربوط به سرمایه - داری این نکته را متذکر شدیم که قرآن کریم در راه مبارزه با سرمایه‌داری ناهنجار - یعنی آن سرمایه‌داری که مورد تنفر اسلام است و ما به شرح مفاسد آن پرداخته ایم - از یک فرد به نام " قارون " که " سمبل سرمایه‌داری مذموم است نام می‌برد و مفاسد کار وی را با عنوان " بنی " که همان عنوان ظلم است آغاز می‌کند و می‌گوید:

" اِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مِیْمِیْنِ " " عَلَیْهِمْ " (۱)

یعنی: قارون ( سرمایه دار معسروف اسرائیلی ) از طایفه بنی اسرائیل بود و بر افراد آن طایفه ظلم کرد - دیگر توضیح نداده است که ظلم قارون چه شکل بوده است ؟

آیا از قدرت خود سوء استفاده کرده و دست بفسد و غارت اموال و املاک آنها زده است ؟

آیا ظلم وی به این صورت بوده است که آنها را به زنجیر استعمار کشیده و از ادا حقوقی که آنها در برابر انجام کار و تلاش و تحمل زحمات خود استحقاق آنها پیدا می‌کردند سرباز میزد و آنها را ادا نمی‌کرد ؟ آیا باین صورت بوده است که با آنها بر اساس ترجم و مواصاة و احسان و ایثار - که یکی از وظایف توانگران است - رفتنار نمی‌کرد ؟

آیا از پرداخت مالیاتی که به اموال صاحبان اموال تعلق می‌گیرد و لازم است که ادا شود تا در راه تأمین مصالح اجتماعی و رفاه طبقه محروم صرف شود امتناع می‌ورزید ؟ قرآن هیچیک از اینها را بخصوص نام نبرده است ولی کلمات قرآنی با مفهوم وسیع و گسترده‌ای که دارد همه اینها را در بر می‌گیرد و ظلم و اجحاف دنیای سرمایه - داری را که مورد بحث ما است شامل می‌کند

## نظر اسلام در مورد ظلم به کارگر

در اینجا برای اینکه بطور اختصار هم بوده نظر اسلام را نیز در این مورد باز گو

کنیم و شرح و تفصیل آنرا برای فرصت دیگر که با توفیق خداوند بدست خواهد آمد بگذاریم . تذکر این مطلب را لازم میدانیم که احادیث بسیاری از پیشوایان بزرگ اسلام علیهم السلام در این رابطه که یکی از گناهان بزرگ و ستم‌های نابخشودنی ، کسر گذاشتن از ارزش کار کارگر است صادر گردیده است و همین مطلب نظر اسلام را در رابطه با دنیای سرمایه‌داری و مبارزه قاطع اسلام را با آن روشن می‌سازد و ما برای نمونه توجه خوانندگان محترم را به تعدادی از آنها جلب می‌کنیم :

حضرت پیغمبر اکرم (ص) فرمودند : کسی که حق کارگر را غصب کند و از ارزش کار او کسر بگذارد و حق و اجرت او را بطور کامل نپردازد خداوند از ثواب و پاداش کارهای نیک او کسر می‌گذارد و بوی بهشت را بر او حرام می‌گرداند .

و نیز فرمود : لعنت خداوند بر کسی که کارگر را از اجرت و بدست آوردن عوض کار خود محروم و ممنوع نماید .

و نیز حضرتش فرمودند : خداوند هر گناهی را ممکن است ببخشد جز گناه این سه طبقه :

۱ - کسی که بدروغ ، دینی را اختراع کند .

۲ - کسی که دیگران را مورد سلطه و استعمار قرار دهد .

۳ - کسی که اجرت و پاداش کار کارگر را غصب و او را استعمار نماید .

حضرت صادق (ع) فرمودند : پست - ترین گناه ، این سه گناه است :

۱ - کشتن چهارپایان بدون علت و دلیل .

۲ - امتناع از پرداخت مهریه زنان .

۳ - کارگران را از حقوق و بدست آوردن ارزش و عوض کارشان منع کردن . (۲)

## ادامه دارد

۱ - سوره قصص، آیه ۷۶

۲ - رجوع شود به وسائل الشیعه، جلد -

۱۳، صفحه ۳۴۷.